

Regionalism and Regional Collaboration in Central Asia

Ghodratollah Behboudi Nejad

Ph.D International Relations, Jawaharlal Nehru University; Mohsenjnu@gmail.com

Abstract

Central Asia in the post-Soviet period turned into a region with sufficiently weak social and economic linkages. It looked like a geographical area, which was significant for external powers from security or geopolitical perspective. The internal cohesion of the region was rapidly disappearing. Various attempts have not only failed at regional integration by the Central Asian states, but many of those initiated by external powers Like Russia, China and the United States, also yielded limited results. However, a new trend is visible since 2016 when a new leader became president in Uzbekistan. Improved bilateral relations and summits of leaders of the region create hope for a new regionalism in Central Asia that is based on the internal cooperative dynamics within the region. This may not replace the already existing mechanisms or organizations. However, the process itself is conducive for intra-regional cooperation and would be helpful in keeping the region free from the geopolitical competition of external powers. The question is why the regionalization process in Central Asia has not been successful so far? the hypothesis is that inter-regional political, security, economic and cultural Factors and barriers ant also Trans-regional actors Interference, led to the failure of regionalism in Central Asian.

Keywords: *Regionalism, regional cooperation, security complex, geopolitics, horizontal cooperation, vertical integration*

منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی^۱

قدرت‌الله بهبودی نژاد

دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو، هندوستان؛

Mohsenjnu@gmail.com

چکیده

در دوره پس از فروپاشی شوروی، آسیای میانه انسجام موجود در دوره شوروی را از دست داده است. کشورهای منطقه از آن زمان به دنبال پیوندهای بیرونی برای دستیابی به منافع اقتصادی و امنیتی خود بوده‌اند. در این روند، رابطه بین کشورهای آسیای میانه ضعیف شد و در برخی موارد خصمانه شد. فرایند ملت‌سازی که رهبران ملی انجام دادند، اقلیت‌های قومی و کشورهای همسایه را از خود دور کرد. در نتیجه، سازوکارها یا سازمان‌های منطقه‌ای که در منطقه ایجاد شده‌اند توسط قدرت‌هایی مانند روسیه، چین و ایالات متحده هدایت یا آغاز می‌شوند. منافع رقابتی این قدرت‌ها در ارتقای همکاری بین کشورهای آسیای مرکزی کمکی نکرده است، هرچند برخی از این سازمان‌ها برای کشورهای عضو مفید هستند. با این حال از سال ۲۰۱۶ که رهبر جدیدی به ریاست جمهوری ازبکستان رسید، روند جدیدی قابل مشاهده است. بهبود روابط دوجانبه و اجلاس سران منطقه، امید به منطقه‌گرایی جدید در آسیای میانه (که مبتنی بر پویایی همکاری داخلی در منطقه است) را تقویت می‌کند. این ممکن است جایگزین سازوکارها یا سازمان‌های موجود نشود. با این حال، این فرایند خود برای همکاری بین منطقه‌ای مناسب است و می‌تواند برای رهایی منطقه از رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های خارجی مفید باشد. پرسش پژوهش این است که «چرا تاکنون روند منطقه‌سازی در آسیای مرکزی با موفقیت همراه نبوده است؟» در پاسخ به پرسش، این فرضیه مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد عوامل و موانع سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی درون منطقه‌ای و نیز دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای باعث عدم موفقیت منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی شده است.

واژه‌های کلیدی: منطقه‌گرایی، همکاری منطقه‌ای، مجموعه امنیتی، ژئوپلیتیک، همکاری افقی، ادغام عمودی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۴۳-۷۶

مقدمه

آسیای میانه به‌عنوان واحدی سیاسی در اواخر قرن نوزدهم، هنگامی به‌وجود آمد که روسیه تزاری برای اهداف اداری خود فرمانداری کل ترکستان را ایجاد کرد. قبل از آن هیچ هویت سیاسی مشترکی وجود نداشت و مردم به سه خانات مختلف تقسیم می‌شدند. در همان زمان، مردم منطقه حتی قبل از اینکه از نظر اداری متحد شوند، دارای هویت‌های قومی - زبانی، فرهنگی و مذهبی گوناگونی بودند. در دوره شوروی، جنبه دیگری از هویت منطقه‌ای به‌وجود آمد. انسجام اقتصادی درون منطقه‌ای محور سیاست شوروی در آسیای میانه بود. از دیدگاه سازه‌گرایی، ایجاد هویت منطقه‌ای توسط روسیه و سپس اتحاد جماهیر شوروی و در دوره پس از شوروی منجر به مشاجره و فروپاشی منطقه‌گرایی قبلی شد. «طبیعی بودن» منطقه از این واقعیت ناشی می‌شود که مردم آسیای میانه دارای بسیاری از ویژگی‌های مشترک قومی - فرهنگی، زبانی و مذهبی هستند. آنها در غذا، لباس، موسیقی، ادبیات و بسیاری از عادات دیگر مشترک هستند. در نتیجه، در دوره پس از اتحاد جماهیر شوروی، کشورها چندین بار تلاش کرده‌اند تا ترتیبی نهادی برای همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کنند. شکست این تلاش‌ها شاید ارتباط زیادی با روابط متقابل آنها داشته باشد، نقش بازیگران خارجی نیز وجود دارد. ظهور منطقه به‌عنوان صحنه مهم ژئوپلیتیکی، توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای را به خود جلب کرد که سعی در ایجاد اتحاد و تشکیل سازمان‌ها یا سازوکارهای منطقه‌ای در آسیای میانه داشتند. دولت‌های این منطقه هر از گاهی تلاش کرده‌اند تا بر مشکلات داخلی غلبه کنند و منطقه‌گرایی مبتنی بر عامل درون

زایی خود را آغاز کنند. آخرین تلاش پس از آمدن رهبری جدید در ازبکستان در سال ۲۰۱۶ آغاز شده است. شکلی که همکاری‌های منطقه‌ای در ابتکار جدید ایجاد می‌کند هنوز مشخص نیست. با این حال، این روند مثبت است، زیرا منجر به همکاری دوجانبه بیشتر بین کشورهای می‌شود که تاکنون در دوره پس از شوروی وجود نداشت. چگونه می‌توان آسیای مرکزی را به‌عنوان یک منطقه تعریف کرد؟ آیا با توجه به اشتراک جغرافیایی، فرهنگی و زبانی در میان مردم آنجا طبیعی است؟ یا منطقه‌ای است که با اقدامات و سیاست‌های قدرت‌های خارجی ساخته شده و آیا مجموعه‌ای امنیتی است؟ جایی که کشورهای منطقه با تهدیدهای مشابهی روبه‌رو می‌شوند که خواستار تلاش جمعی هستند؟

۱. چهارچوب نظری

منطقه بیانگر مجاورت جغرافیایی و حداقلی از روابط متقابل ژئوپلیتیکی و گاهی میزانی از وابستگی دو یا چند کشور یا شمار محدودی از دولت‌های همجوار است که به همکاری و تعامل سازمان‌یافته در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی برای حرکت به‌سوی همگرایی مبادرت می‌ورزند (حسنوند و اسفندیاری، ۱۳۹۸، ص. ۴۲). امروزه مناطق از بسیاری جهات مفهوم‌سازی شده‌اند. برخی منطقه را پدیده‌ای پیش پا افتاده و یا عارضه‌ای طبیعی در نظر می‌گیرند. عده‌ای دیگر که به سازه‌گرایان یا پس‌ساختارگرایان معروف هستند، به منطقه به‌عنوان ساخت اجتماعی نگاه می‌کنند و از این‌رو دارای اختلاف سیاسی می‌باشند. این دیدگاه بر چگونگی درک و تفسیر بازیگران سیاسی از ایده منطقه، مفهوم منطقه‌گرایی و منطقه‌سازی استوار است (Asanov & Kukeyeva, 2013, p. 778). طبق نظر سازه‌گرایان، «سودرباوم» استدلال می‌کند که هیچ منطقه «طبیعی»^۱ وجود ندارد. همه مناطق (حداقل به‌طور بالقوه) ناهمگن و باحاشیه سرزمینی نامشخص هستند (Soderbaum, 2011, p. 6). نوکارکردگرایان بر نهادهایی تأکید دارند که به‌عنوان مؤثرترین ابزار برای حل مشکلات معمول شناخته می‌شوند. اینها به نوبه خود برای ایجاد سرریز عملکردی و همچنین سیاسی بسیار مؤثر هستند و در نهایت

منجر به تعریف مجدد هویت گروهی در اطراف واحد منطقه‌ای می‌شوند (Soderbaum, 2011, p. 10).

منطقه‌گرایی را می‌توان از منظر درون‌زا و همچنین برون‌زا درک کرد. طبق اولی، منطقه‌سازی توسط بازیگران محلی از داخل منطقه شکل می‌گیرد، درحالی‌که دیدگاه برون‌گرایی منطقه‌گرایی را نتیجه اقدامات بازیگران خارجی می‌داند. دیدگاه برون‌گرایانه توسط نئورئالیست‌ها توسعه یافته‌است. مناطق و منطقه‌گرایی ممکن است یا از طریق دلایل ژئوپلیتیک یا از طریق سیاست تشکیل اتحاد (به‌ویژه برای مقابله با قدرت دولت یا گروه دیگری از کشورها در داخل یا خارج از منطقه) رخ دهد.

از نظر سودرbaum پیشنهادی نئورئالیستی این است که هژمون یا تثبیت‌کننده می‌تواند ظهور همکاری‌های منطقه‌ای و نهادهای منطقه‌ای را به طرق مختلف تحریک کند (Soderbaum, 2011, p. 11). «باری بوزان» با بیان اینکه نظریه‌پردازان قدرت اهمیت سطح منطقه‌ای را در روابط بین‌الملل نادیده می‌گیرند، نئورئالیسم را زیر سؤال برد. وی مفهوم «مجموعه امنیت منطقه‌ای»^۱ را توسعه داد و آن را به‌عنوان مجموعه‌ای از کشورها تعریف کرد که درک و نگرانی عمده امنیتی آنها چنان به هم پیوسته است که مشکلات امنیت ملی آنها جدا از یکدیگر قابل تحلیل یا حل نیست (Buzan, 1991, p. 190).

۲. آسیای میانه به‌عنوان منطقه‌ای در زمان شوروی

اتحاد جماهیر شوروی دارای نوزده منطقه اقتصادی بزرگ، از جمله منطقه آسیای میانه بود (Cornell & Starr, 2018, p. 43). به گفته «کوپانف»، مناطق بزرگ اقتصادی، جغرافیایی جدید و گروه‌بندی اقتصادی تازه‌ای را نشان می‌دهند که از نظر مشخصات عمومی اقتصاد کشور، تقسیم کار و روابط حمل و نقل، عملکردهای خاصی را انجام می‌دهند (Kopanev, 1987, p. 48). منطقه اقتصادی آسیای میانه با مناطق وسیعی از خاک بسیار حاصلخیز، مراتع بزرگ، منابع غنی از آب و نیروگاه آبی، هیدروکربن‌ها و مواد معدنی مفید مشخص می‌شود (Kopanev, 1987, p. 49). در آسیای مرکزی، وحدت سیستم‌های توزیع حمل و نقل (انرژی، خطوط لوله گاز،

توزیع آب و حمل و نقل) به پیشرفت سریع هریک از جمهوری‌ها کمک کرد. سیستم برنامه‌ریزی شوروی مدیریت و توزیع منابع بین جمهوری را هماهنگ می‌کرد. اقتصاد منطقه را سیستم قدرت منحصربه‌فردی که تمام نیروگاه‌های اصلی را تحت کنترل داشت، اداره می‌کرد (Cornell & Starr, 2018, p. 44).

تحت سیستم اتحاد جماهیر شوروی، آب به‌صورت رایگان به جمهوری‌ها عرضه می‌شد و هزینه سیستم مدیریت آب به عهده مسکو بود. این شکل از منطقه‌گرایی در تقسیم کار سرزمینی شوروی که در آن آسیای مرکزی به‌عنوان منطقه واحد متحدی واقع شده بود، به‌خوبی عمل کرد. اتحاد جماهیر شوروی سابق با افزایش ۲۱۶ منبع آب توسط دولت مرکزی در مسکو، عملیات احیای گسترده زمین را برای افزایش تولید محصولات کشاورزی در آسیای میانه انجام می‌داد (Wang et al., 2020, p. 7). این ترتیبات با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید. متعاقباً شبکه مشترک برق متوقف شد و جابه‌جایی کالا و مردم در آن سوی مرزها دشوار شد. همه مسائلی که می‌توانند منطقه را تقسیم کنند، مورد توجه قرار گرفتند. گفتمان ملی‌گرایانه بر سیاست دولت‌ها حاکم شد و در نتیجه، وابستگی متقابل با خودکفایی جایگزین شد (Вардомский, 2014, p. 18). بنابراین، تصمیم رهبری ازبکستان و تاجیکستان در مورد تقریباً قطع روابط بین کشورهای خود از حمایت تعهدی غیرقابل انتقادی از سوی ملت‌های خود برخوردار شد. اگرچه در این روند رؤسای جمهور در کشورهای خود محبوب شدند، آسیب این ملی‌گرایی رقابتی شدن منطقه آسیای مرکزی بود که انسجام داخلی خود را از دست داد.

۳. روابط بین‌دولتی در دوره پس از شوروی

اگرچه کشورهای آسیای میانه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان واحدهای جداگانه‌ای در سیستم بین‌المللی ظهور کرده‌اند و عواملی مانند مجاورت جغرافیایی، قومیت نزدیک و زبان‌های شهروندان، دین مشابه، تاریخ مشترک (چه قبل و چه در دوره اتحاد جماهیر شوروی)، منابع مشترک و زیرساخت‌های دوران اتحاد جماهیر شوروی (مانند آب و اتصالات حمل و نقل) زمینه‌های گسترده‌ای برای همکاری فراهم می‌کند (Rakhimov, 2018, p. 5). با وجود این در دهه‌های

پس از استقلال، همکاری‌های منطقه‌ای بین این کشورهای جوان نه تنها اغلب راکد بوده، بلکه در بسیاری موارد قطع شده‌است. منافع اصلی اقتصادی کشورهای آسیای میانه در خارج از منطقه است. در سال ۲۰۱۸، فقط ۶.۲ درصد از گردش تجارت بزرگ‌ترین اقتصاد آسیای میانه، قزاقستان با سایر کشورهای آسیای میانه بوده‌است (Eurasian Development Bank, 2019). و پس از آن نیز حجم تجارت بین کشورهای آسیای میانه افزایش چشمگیری را نشان نداده‌است. رفت و آمد مردم در آسیای میانه به‌طور فزاینده‌ای محدود شده‌است. هماهنگی و تبادل اطلاعات بین سازمان‌های عمومی آسیای میانه کم است. نفوذ فرهنگ مشترک زبان شوروی و زبان روسی در حال کاهش است که منجر به فرایندهای جدید ملت‌سازی پس از استقلال شده‌است. ارتباطات کمتری در مبادلات فرهنگی، آموزشی و ورزشی بین جوانان وجود دارد. روابط بین کشورهای آسیای میانه اغلب به‌دلیل مسائل مربوط به امنیت مرزها و مدیریت منابع مشترک آب پیچیده است (Cornell & Starr, 2018, p. 16). در نتیجه، میزان وابستگی متقابل بین جمهوری‌های شوروی سابق کاهش یافته‌است.

۴. منطقه‌گرایی در دوره پس از شوروی

پژوهشگران به‌طور کلی به جنبه‌های فرهنگی و ژئوپلیتیکی روی آورده‌اند تا درجه خاصی از اشتراک را به هویت منطقه نسبت دهند. در اوایل دوران پس از شوروی، قرار بود این هویت، قومی - اسلامی و ترکی باشد که منطقه را به هم پیوند دهد. این گفتمان برای ایدئولوژی‌های پان‌اسلامی و پان‌ترکی مطلوب بود. با این حال، هیچ‌یک از این روندهای ایدئولوژیک نتوانستند منطقه را به هم نزدیک کنند. در عوض، منابع انرژی و نیازهای حمل و نقل، تهدید تروریسم و سایر مسائل امنیتی مجموعه‌ای از اصطلاحات مانند «بازی بزرگ جدید»^۱، «مجموعه امنیتی»^۲، «آسیای مرکزی بزرگ»، «قلب اوراسیا» و «پل قاره»^۳ را ایجاد کرده‌است تا

-
1. New Great Game
 2. Security Complex
 3. Continental Bridge

منطقه را به‌عنوان موجودی مشترک و مهم توصیف کنند. این اصطلاحات تأکید می‌کنند که برجستگی منطقه‌ای آسیای میانه بر پتانسیل صادرات نفت و گاز و مجاورت آن با چندین منطقه ناپایدار پیش‌بینی شده‌است. به‌طور خلاصه، جهان خارج اساساً از طریق منشور ژئوپلیتیک به آسیای میانه نگاه کرده‌است.

حتی روایت در مورد هویت مبتنی بر قومیت نیز روایتی عادی نبوده‌است. درحالی‌که ازبکستان هویت ترک را ترجیح می‌دهد، تاجیکستان بیشتر به هویت ایرانی تمایل دارد. قزاقستان هویت اوراسیاگرایی را به‌عنوان چهارچوبی در جهت‌گیری منطقه‌ای خود مطرح کرده‌است. قزاقستان و قرقیزستان در حال حاضر عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ هستند و تاجیکستان عضوی بالقوه برای آینده است. ترکمنستان، به نام بی طرفی از حضور در اکثر ترتیبات چندجانبه پرهیز کرده‌است. ازبکستان همچنان به منطقه‌گرایی در آسیای میانه اشتیاق کمتری نشان داده و روابط آن با برخی از همسایگان خود هر از چندگاهی با کنترل دقیق مرزها و همچنین تجارت محدود مخدوش می‌شود.

در دهه اول پس از تجزیه شوروی، علی‌رغم مشکلات موجود در روابط بین دولت‌ها، کشورهای آسیای میانه برای ایجاد یک معماری همکاری منطقه‌ای تلاش کردند. در سال ۱۹۹۴، سه کشور مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان) «اتحادیه اقتصادی آسیای میانه»^۲ را ایجاد کردند که پس از پیوستن تاجیکستان به آن، در سال ۱۹۹۸ به «انجمن اقتصادی آسیای میانه»^۳ تغییر نام داد. با این حال، هر مرحله برای احیای سازمان با دوره‌ای انفعال همراه بود. آخرین تلاش چهار کشور فوق ایجاد «سازمان همکاری آسیای میانه»^۴ در سال ۲۰۰۲ بود. پس از ناکامی در ایجاد بازار مشترک کشورهای عضو، حتی این سازمان در سال ۲۰۰۵ با «جامعه اقتصادی اوراسیا»^۵ به رهبری روسیه ادغام شد. ترکمنستان به‌عنوان یک سیاست،

1. Eurasian Economic Union (EAEU)
2. Central Asian Economic Union (CAEU),
3. Central Asian Economic Community (CAEC)
4. Central Asian Cooperation Organization (CACO)
5. Eurasian Economic Community (EURASEC)

به‌طور مداوم از پیوستن به هر سازمان منطقه‌ای اجتناب می‌کند و در هر تلاش برای ادغام منطقه‌ای شکافی دائمی باقی می‌گذارد (Rakimov, 2018, p. 5). عدم ایجاد بازار مشترک منجر به کاهش تجارت بین کشورهای آسیای میانه شده‌است. سهم تجارت بین همسایگان از همان اوایل به‌شدت کاهش یافت.

در دههٔ ۱۹۹۰، به‌عنوان مثال صادرات تاجیکستان به ازبکستان از ۱۲.۵ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۵.۳ درصد در سال ۲۰۰۸ و به ۴.۴ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته‌است. به همین ترتیب، واردات از ۲۷.۵ درصد به ۴.۷ درصد و به ۲.۰ درصد در همان دوره‌ها کاهش یافت. هرچند در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ حجم تجارت طرفین به ترتیب به ۱۹/۳، ۲۷/۷ و ۴۱/۳ رسیده‌است (state committee of the republic of uzbekistan on statistics, 2020, p. 6).

تنش‌های بین‌قومی نیز بر روابط بین‌دولتی در آسیای میانه تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، پس از شورش‌های قرقیزستان و ازبکستان در قرقیزستان جنوبی در سال ۲۰۱۰، حجم تجارت بین این دو به‌شدت کاهش یافت و از ۲۸۵.۳ میلیون دلار به ۲۰۸.۷ میلیون دلار بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ رسید. سهم صادرات قرقیزستان به ازبکستان به نصف کاهش یافت و از حدود ۱۰ درصد از کل صادرات آن به فقط ۵.۵ درصد در مدت مشابه در گذشته رسید. به همین ترتیب، واردات از ازبکستان از حدود ۳.۹ درصد از کل واردات آن به کمتر از ۲ درصد کاهش یافته‌است (این حجم در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب ۴۲.۱، ۶۵/۲ و ۶۲/۵ می‌باشد) (Stateof committee of the republic of uzbekistan on statistics, 2020, p. 5).

جدول ۱. شاخص‌های کل انتخاب شده برای کشورهای آسیای میانه (۲۰۱۸)

	جمعیت (میلیون)	تولید ناخالص ملی	صادرات (بیلیون دلار)	واردات (بیلیون دلار)
قزاقستان	۱۸/۴	۱۷۹.۳	۶۱/۱	۳۳.۷
جمهوری قرقیزستان	۴.۹	۸.۱	۱.۸	۴.۹
تاجیکستان	۹.۱	۷.۵	۱.۱	۳.۲
ازبکستان	۳۳.۳	۵۰/۵	۱۰/۹	۱۷.۳

Source: (WDI, Ministry of National Economy of the Republic of Kazakhstan Statistics Committee)

بنابراین جای تعجب نیست که در سال ۲۰۰۵، سازمان همکاری آسیای میانه با جامعه اقتصادی اوراسیا ادغام شد. در آن سال، درصد کل تجارت درون منطقه‌ای در آسیای میانه فقط ۴.۸ درصد بود که در مقایسه با سایر سازمان‌های منطقه بسیار ناخوشایند بود؛ ۶۳.۷ درصد در میان اعضای اتحادیه اروپا، ۲۷.۴ درصد در میان اعضای «آ.س.آن»^۱ و ۱۹.۴ درصد در میان کشورهای آمریکای لاتین بود. از آنجایی که کشورهای آسیای میانه نتوانستند به همکاری افقی دست یابند، قدرت‌های خارجی برای ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای که توسط آنها هدایت یا پشتیبانی می‌شوند، وارد عمل شدند. اینها بیشتر سازمان‌های ژئوپلیتیک و مرتبط با امنیت هستند، سازمان پیمان امنیت جمعی^۲ (به رهبری روسیه)، سازمان همکاری شانگهای (به رهبری چین و روسیه)، ایالات متحده آمریکا و سازمان منطقه‌ای گوام^۳ (گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی) را تبلیغ می‌کنند. برنامه‌ها و ساختارهای نظامی دیگری مانند سنتکام^۴، سنتراسبات^۵ (گردان آسیای میانه) و برنامه مشارکت برای صلح ناتو^۶ و اتحادیه اروپا (استراتژی آسیای میانه) (Rakimov, 2018, p. 2) وجود دارد که سعی دارد کشورهای آسیای میانه را به نوعی روابط همکاری با غرب بکشاند.

با این حال، بیشتر این سازمان‌ها نتوانسته‌اند منطقه را متحد و همکاری‌های بین‌دولتی را ایجاد کنند. روابط آشفته بین دولت‌ها ادامه دارد و آنها به تدریج از یکدیگر دور شدند، به‌جز برخی از علاقه‌های مشترک در مبارزه با نیروهای تندروی افراطی. حتی در مورد این موضوع هم، هماهنگی بیشتر از طریق سازمان همکاری شانگهای انجام می‌شود. پیوندهای اقتصادی ضعیف است و سیاست‌های قومی در دولت‌ها دارای جهت‌گیری‌های متفاوت یا حتی خصمانه است. آنها

-
1. ASEAN
 2. Collective Security Treaty organization (CSTO)
 3. GUAM
 4. CENTCOM
 5. CENTRASBAT
 6. NATO's Partnership for Peace (PfP)

تجارت محدودی بین خود دارند؛ در این زمینه، بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای که توسط قدرت‌های خارجی تبلیغ می‌شوند، چندان موفق نبوده‌اند.

به‌غیر از سازمان‌های مرتبط با امنیت که قبلاً ذکر شد، پروژه‌های دیگری نیز برای گسترش ارتباطات اقتصادی و زیرساختی انجام شده‌است. کریدور حمل و نقل اروپا - قفقاز - آسیا (تراسیکا)^۱، حمل و نقل بین‌دولتی نفت و گاز به اروپا (اینوگیت)^۲، همکاری اقتصادی منطقه‌ای آسیای میانه^۳ و پروژه برق آسیای مرکزی و جنوبی^۴ معروف به کاسا ۱۰۰۰، از جمله موارد تبلیغ شده غرب است. ایالات متحده طرح جاده ابریشم جدید را برای اتصال آسیای میانه و آسیای جنوبی از طریق پروژه‌های خط لوله و زیرساخت ترویج کرد. چین از طریق پروژه «کمربند و راه»^۵ سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده‌است. روسیه موفق شده دو کشور آسیای میانه قزاقستان و قرقیزستان را به اتحادیه اقتصادی آسیای میانه بکشاند.

درحالی‌که همه این سازمان‌ها از نظر امنیتی و اقتصادی به کشورهای آسیای میانه کمک می‌کنند، ادغام عمودی‌تر است، به این معنا که این سازمان‌ها یا سازوکارهای چندجانبه با هم ترکیب شده و توسط برخی از قدرت‌های خارجی پایدار می‌مانند. تنها استثنا، اتحادیه اقتصادی آسیای میانه است که به دو کشور عضو آسیای میانه کمک کرده‌است تا از طریق حرکت آزاد سرمایه، کالا و مردم در میان کشورهای عضو، همکاری‌های افقی را تقویت کنند.

سازمان‌های موجود اکثراً شامل تمام کشورهای آسیای میانه نیستند. با توجه به این واقعیت که سه قدرت اصلی رقیب در هدایت آنها نقش دارند، بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای در اهداف متقابل یکدیگر کار می‌کنند. رابطه هر دولت با هریک از سه قدرت اصلی، نگرش آن نسبت به سازمان‌های تحت رهبری آنها را تعیین می‌کند. مثال بارز ازبکستان است که وقتی به ایالات متحده نزدیک شد

1. TRACECA

2. Interstate Oil and Gas Transport to Europe (INOGATE)

3. Central Asia Regional Economic Cooperation (CAREC)

4. Central and South Asia power project

5. BRI

سازمان‌های تحت هدایت روسیه را ترک کرد. این کشور مجدداً از گوام مورد حمایت ایالات متحده خارج شد و مجدداً به سازمان پیمان امنیت جمعی و جامعه اقتصادی اوراسیا پیوست. امروزه دوباره عضویت خود در سازمان پیمان امنیت جمعی را نیز به حالت تعلیق درآورده است.

به گفته «لارول» و «پیروس»، ابتکارات منطقه‌ای مورد حمایت غرب واقعاً موفق نبوده‌اند؛ برای توضیح بیشتر این دیدگاه، آنها اظهار می‌دارند، بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای خارج از اهرم‌های روسیه و چین، مانند سبدی پر از توافق است که به سختی اجرا می‌شوند؛ زیرا هیچ مکانیزمی برای اجرای آنها وجود ندارد (Laruelle & Peyrouse, 2012, p. 27).

همچنین، هیچ حوزه قضایی مشترکی وجود ندارد و نیز سیستمی برای حل و فصل اختلافات یا ایجاد زمینه برای اقدامات جمعی وجود ندارد. معاهدات امضاشده توسط پارلمان‌های ملی تصویب نشده‌اند یا معاهدات تصویب‌شده به احکام تبدیل نشده‌اند. دلیل دیگر عدم موفقیت اکثر سازمان‌های منطقه‌ای این است که بسیاری از اهداف دارای هم‌پوشانی نبوده و از هماهنگی لازم با یکدیگر برخوردار نیستند. لارول و پیروس این وضعیت را به‌عنوان اثر «ظرف ماکارونی»^۱ توصیف کردند (Laruelle & Peyrouse, 2012, pp. 27 & 31).

لارول و پیروس همچنین استدلال کردند که چنین وضعیتی با ایجاد منافع ژئوپلیتیکی رقیب در میان قدرت‌های بزرگ، جدا از انگیزه‌های تجاری بالقوه متناقض در بین سازمان‌های مختلف منطقه، بر یکپارچگی منطقه تأثیر منفی می‌گذارد. به گفته آنها، این روند با اختلافات در منطقه تشدید می‌شود. به‌عنوان مثال، به‌جز قزاقستان که با همه همسایگان خود معاهده‌های مرزی امضا کرده‌است، سایر کشورهای آسیای میانه هنوز هم باید در مورد مرزهای مورد مناقشه توافق‌های نهایی را بین خود منعقدکنند. سطح پایین تجارت در میان کشورهای آسیای میانه نیز مانع ادغام است (Laruelle & Peyrouse, 2012, pp. 32-33). به‌طور کلی می‌توان عوامل کاهش دهنده همگرایی درون منطقه‌ای آسیای مرکزی را به‌طور خلاصه در

سطوح زیر جای داد:

الف) عوامل اقتصادی

دولت‌های آسیای مرکزی اغلب به صورت یک‌جانبه عمل می‌کنند و روابط تجاری را در صورت بروز تلاطمات اقتصادی یا سیاسی محدود می‌کنند. وابستگی متقابل اقتصادی در حوزه منابع آب یا انرژی نیز باعث اختلافات دائمی بر سر توزیع مجدد از منابع آبی مشترک شده است. توسعه نابرابر کشورهای مختلف این منطقه نیز مشکلات را تشدید کرده است (Rakimov, 2018, p. 7). کشورهای آسیای میانه از نظر جمعیت و سرزمین‌ها و همچنین دسترسی به منابع طبیعی و مسیرهای اصلی حمل و نقل تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند و مدل‌های مختلف نوسازی سیاسی و اقتصادی ارائه شده تا حد زیادی به عوامل سرکوب همکاری منطقه‌ای در آسیای میانه منجر شده است. همچنین تجارت آزاد بین دولت‌های آسیای مرکزی به وسیله موانع گوناگونی مانند غیرشفاف بودن سیاست‌های تجاری، هزینه‌های حمل و نقل، عوارض گمرکی، شبکه فرسوده ترانزیتی، کاغذبازی‌های دست و پا گیر و رشوه، ناهمگونی امکانات اقتصادی مالی و هم‌تراز نبودن سطح پیشرفت صنعتی کشورهای این منطقه با یکدیگر و نیز سطح پایین تعامل اقتصادی بین این کشورها از موانع تجاری پیش روی کشورهای این منطقه می‌باشد.

ب) عوامل فرهنگی و اجتماعی

به دلیل وجود منابع قابل توجه انسانی و طبیعی، مشکلات جدی در منطقه آسیای مرکزی وجود دارد. تأثیر منفی قاچاق مواد مخدر، افراط‌گرایی، مهاجرت غیرقانونی به سایر کشورها یکی از نگرانی‌های مهم جامعه جهانی است و نیاز به سیاستی هماهنگ در آسیای میانه دارد. بنابراین روابط بین برخی از کشورهای منطقه (قزاقستان و ازبکستان، تاجیکستان و ازبکستان) به جای رابطه برادرانه و دوستانه نسبتاً با تشنج همراه بوده است. موانع موجود در منطقه‌گرایی با فرایندهای پیچیده ژئوپلیتیک، فرهنگی و تعریف خاص هر کشور از تمدن و گذشته خود به اختلافات دامن می‌زند. نظرات کشورهای منطقه در مورد روندهای ادغام و

منطقه‌گرایی نیز متفاوت است. این امر در تضاد مزایای اجتماعی فرهنگ‌های اسکان‌یافته یا شهرنشینان با کوچ‌نشین‌ها و نیز احساس ناخوشایند بین مردمان ساکن این کشورها نسبت به هم‌نوعان خود در آن سوی مرز، روند رو به رشد بیگانگی متقابل در بین مردم منطقه را تشدید کرده‌است.

اما با این حال، با وجود مرزهای جغرافیایی منطقه آسیای میانه، مردم در فضایی فرهنگی و تمدنی زندگی می‌کنند که دارای سنت‌ها، فرهنگ، دین و تاریخ مشترک هستند. تقسیم این میراث غیرممکن می‌نماید؛ زیرا میراث متعلق به همه مردم منطقه است. درک این مسئله باید کشورهای منطقه را به سمت ایده‌های جدید ادغام منطقه‌ای سوق دهد.

پ) عوامل سیاسی

بلافاصله پس از استقلال مشخص شد که موانعی بر سر راه ادغام و منطقه‌گرایی وجود دارد. کشورهای جدید حساسیت شدیدی نسبت به نگرانی از کاهش حاکمیت ملی نشان دادند. این تعهد به حاکمیت دولت و ملی‌گرایی، منجر به سطحی از عدم تمایل و مخالفت با ایده واگذاری برخی از اختیارات دولتی به سازمان یا اتحادیه‌ای فوق‌ملی شد. مسائلی مانند اختلافات مرزی و زدوخورد‌های ناشی از آن، رقابت بین تاشکند و نورسلطان برای رهبری منطقه از موضوعات دیگری است که در منطقه مطرح است. بنابراین کشمکش برای رهبری در منطقه، می‌تواند به گسترش نفوذ قزاقستان در منطقه با ابتکارات فراملیتی بینجامد. از دیگر سو، ازبکستان به بازیگری به‌عنوان نقش دوم رضایت ندارد و به همین دلیل برای تحکیم موقعیت خود تمایل به تقویت همکاری با کشورهای اروپایی و ایالات متحده به‌ویژه در زمینه تقویت توان نظامی خود دارد.

بنابراین، می‌توان ادعا کرد که مانع عمده همکاری منطقه‌ای در سطوح سیاسی نقش رهبری در کشورهای آسیای میانه بوده‌است. ناسیونالیسم از بالا که یک گروه را نسبت به گروه دیگر امتیاز می‌دهد، فقط نظام را بیشتر رهبری‌محور می‌کند. مردم به دلیل روایت ملی‌گرایی که گروه دارای عنوان دیگر را غیردوستانه یا حتی متخاصم تعریف می‌کند، تصمیم رهبر برای قطع رابطه با کشور همسایه در آسیای

مرکزی را زیر سؤال نمی‌برند. بنابراین تصمیم رهبری ازبکستان و تاجیکستان برای قطع روابط بین دولت‌هایشان از حمایت تعهدی غیرقابل‌انتقاد برخوردار شد. اگرچه رؤسای جمهور در کشور خود محبوب شدند، این روند کمکی به همکاری‌های منطقه‌ای نکرد.

از آنجا که نقش رهبر در کشورهای این منطقه مهم بوده‌است، تغییر رهبری می‌تواند تغییراتی در روابط یک کشور با همسایگان خود ایجاد کند. امروز چهار کشور از پنج دولت آسیای میانه، رئیس‌جمهورهایی که در زمان استقلال کشور را رهبری می‌کردند، دیگر ندارند. تغییر در ازبکستان به‌ویژه برای همکاری‌های منطقه‌ای بسیار مساعد است، زیرا این کشور دارای جمعیت بیشتر و منابع انرژی متنوعی است و با چهار کشور دیگر نیز مرز مشترک دارد.

۵. گرایش‌های جدید در همکاری‌های منطقه‌ای

در سپتامبر ۲۰۱۶، رئیس‌جمهور ازبکستان، «اسلام کریموف» درگذشت و «شوکت میرضیایف» به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت منصوب شد. وی پس از انتخابات دسامبر ۲۰۱۶ به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. از آن زمان، تغییرات چشمگیری در روابط ازبکستان با همسایگان خود ایجاد شده‌است که امید می‌رود زمینه همکاری‌های منطقه‌ای قوی‌تر را فراهم سازد. این ابتکار میرضیایف بود که منجر به جلسه سران کشورهای آسیای میانه در ۱۵ مارس ۲۰۱۸ در آستانه شد (Cornell & Starr, 2018, p. 46). اگرچه رئیس‌جمهور ترکمنستان به‌دلیل سفرهای خارجی نتوانست در آن شرکت کند، هیئت بزرگی را به اجلاس اعزام کرد که پسرش «سردار بردی مخمداف» نیز در آن بود. اجلاس آستانه گام مهمی را در جهت همکاری‌های منطقه‌ای رقم زد. برای اولین بار نبود که چنین اجلاسی برگزار می‌شد. از زمان تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، شش اجلاس سران آسیای میانه برگزار شد و هیچ نتیجه‌اساسی نداشت. آخرین مورد یک دهه پیش در آوریل ۲۰۰۹ در آلماتی برای بحث در مورد مسئله دریای آرال بود. تمرکز عمده در نشست ۲۰۱۸ بر روی تقسیم آب رودها و باز کردن تجارت بین کشورهای آسیای میانه بود.

تقسیم آب رودها برای چندین سال موضوعی بحث‌برانگیز بوده‌است و

اجلاس آستانه (نورسلطان) امیدهایی را در مورد تلاش‌های جدی در آینده برای یافتن راه‌حل طولانی‌مدت ایجاد کرده‌است. تصمیم برای دیدار سالانه چهارچوبی برای همکاری در سطح رهبری عالی ایجاد کرده‌است. از آن زمان، کشورهای منطقه سعی کرده‌اند بسیاری از مشکلاتی را برطرف کنند که مانع همکاری دوجانبه و همچنین چندجانبه بین آنها است. پیش از اجلاس آستانه، رئیس جمهور میرضیایف تلاش کرده بود روابط دوجانبه با سایر کشورهای آسیای میانه را با موفقیت بهبود بخشد، امری که در مذاکرات در مورد مرزها قابل مشاهده بود. به‌عنوان مثال از ۵۸ بخش در امتداد مرز مورد مناقشه (یعنی ۳۲۴ کیلومتر از کل ۱،۳۷۸ کیلومتر) بین ازبکستان و قرقیزستان که تا سال ۲۰۱۶ حل نشده بودند در پایان سال در مورد ۵۰ بخش توافق شد. تا پایان سال ۲۰۱۷، رؤسای جمهور دو کشور توافق‌نامه‌ای را برای تعیین مرز ۱۷۰ کیلومتری مشترک نیز امضا کردند که با توجه به روند رو به رشد این امر می‌تواند به‌زودی حل شود. رؤسای جمهور همچنین توافق‌نامه دیگری را برای انتقال مخزن «اورتوتوکای - کازان سای»^۱ به حفاظت، بهره‌برداری و مدیریت قرقیزستان امضا کردند، درحالی‌که از آن به‌طور مشترک با ازبکستان استفاده می‌شود که ۹۲ درصد هزینه‌ها را پرداخت می‌کند (Toktogulov, 2017). اوضاع مرزهای ازبکستان و تاجیکستان که به‌عنوان یکی از سخت‌ترین و مستعدترین درگیری‌های منطقه ظاهر شده بود، وضعیت جدی‌تری داشته‌است. اگرچه با پیمانی که از ۵ آگوست ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد، مرز به میزان ۹۶ درصد (فقط ۹۳ کیلومتر از ۱۳۳۲ کیلومتر همچنان مورد اختلاف باقی مانده‌است) حل و فصل شده بود، رفت و آمد مردم و کالاها عملاً وجود نداشت. با این حال، در سه سال گذشته تغییرات محسوسی رخ داده‌است. دولت تاجیکستان در اواخر نوامبر ۲۰۱۷ کمیسیون جدیدی در مورد مسئله مرز با ازبکستان تشکیل داد. به گفته رئیس کمیته دولتی مدیریت زمین، «رجب‌وواحمدزوده»، اختلاف در مورد مناطق مرزی باقی‌مانده به‌زودی حل خواهد شد (Aliyeva, 2018 January 9). رئیس جمهور تاجیکستان، امامعلی رحمان، اولین سفر رسمی خود به

ازبکستان را در تاریخ ۱۷-۱۸ آگوست ۲۰۱۸ به‌دنبال سفر قبلی رئیس‌جمهور ازبکستان میرضیایف در ۹-۱۰ مارس همان سال انجام داد. این دیدار تاریخی، مجموعه‌ای از تصمیمات موفقیت‌آمیز را در پی داشت. دو طرف ۲۷ قرارداد همکاری در زمینه صنعت، استانداردهای و صدور گواهینامه، عبور از مرز، به رسمیت شناختن اسناد آموزش و پرورش، زمین‌شناسی، کشاورزی و فرهنگ و غیره را امضا کردند. رژیم ویزا ساده شد و ارتباط حمل و نقل بین دو کشور برقرار شد. دانشگاه ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی سمرقند همکاری ایجاد کردند. براساس گزارش‌ها، بیش از یک میلیون نفر در نُه ماه نخست سال ۲۰۱۸ از مرز ازبکستان و تاجیکستان عبور کرده بودند. در سفر رحمان، اعلام شد تجارت دوجانبه به ۵۰۰ میلیون دلار افزایش یافته‌است و پیش‌بینی می‌شود که به یک میلیارد دلار برسد (Tolipov, 2018).

این جهشی بزرگ از زمان درگذشت کریموف بود که تجارت متقابل به کمتر از یک میلیون دلار رسیده بود و پروازهای بین پایتخت‌های دو کشور لغو شده بود و محموله‌های راه‌آهن تاجیکستان که از خاک ازبکستان عبور می‌کردند مسدود شده بود. در مارس ۲۰۱۸، وزارتخانه‌های دفاع دو کشور توافق‌نامه همکاری در زمینه ترانزیت محموله‌های ویژه و نظامی از مناطق خود را امضا کردند. به‌عنوان پیگیری، در جریان اجلاس ماه اوت، مرزبانان ازبکستان و تاجیکستان تمرینات نظامی تاکتیکی مشترکی را در محل تلاقی مرزهای ازبکستان، تاجیکستان و افغانستان انجام دادند. درحالی‌که تاجیکستان موضوع «روگان»^۱ را محدود کرد، هر دو طرف توافق خود را برای ساخت دو نیروگاه برق‌آبی دیگر در رودخانه زرافشان اعلام کردند. رحمان حتی پیشنهاد کرد آب قابل آشامیدنی از دریاچه کوهستانی مرتفع سارز تاجیکستان برای ازبکستان تأمین کند (Tolipov, 2018). به‌نظر می‌رسد دیگر موضوع سد روگون مانعی برای ایجاد روابط نیست. پروژه برق‌آبی روگان که از زمان آغاز به کار اولین توربین خود در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۸، چهل سال به طول انجامیده‌است (Putz, 2018) این‌بار هیچ واکنشی منفی از طرف ازبکستان به‌دنبال نداشت و از طرف دیگر

رئیس جمهور تاجیکستان پس از ملاقات با همتای ازبک خود در مارس ۲۰۱۸ به خبرنگاران گفت: ما نظر مشترک داریم که تأسیسات برق‌آبی موجود و آنهایی که در دست ساخت هستند، به حل مسائل آب و برق منطقه کمک می‌کنند. در این زمینه، ما از حمایت ازبکستان برای توسعه تأسیسات برق‌آبی در تاجیکستان، از جمله روگان استقبال می‌کنیم (Putz, 2018).

براساس برخی گزارش‌ها، تجارت انرژی ازبکستان - تاجیکستان از سر گرفته شده است که موفقیت بزرگی پس از خروج ازبکستان از شبکه مشترک برق در سال ۲۰۰۹ است. در فوریه ۲۰۱۸، تاجیکستان توافق کرد که ۱.۵ میلیارد کیلووات ساعت برق در ماه‌های تابستان بین آوریل تا سپتامبر تأمین کند. این قیمت نیمی از هزینه‌ای است که تاجیکستان در سال ۲۰۱۷ از افغانستان گرفته است. این تأمین از پست ریگار، نزدیک شهر تورسون زاده در غرب دوشنبه، به پست گلچا در آن طرف مرز ازبکستان آغاز شده است؛ حتی بازگشایی شبکه مشترک هم توافق شده است (Putz, 2018). در واقع، تاجیکستان از ۱۱۰-۱۲۰ میلیون کیلووات ساعت که در ماه‌های ابتدایی سال تأمین می‌کرد، در ژوئیه ۲۰۱۸ میزان برق خود را به ۴۱۷ میلیون کیلووات ساعت افزایش داد. این همچنین سالی بود که تاجیکستان پس از ۳ سال وقفه صادرات برق خود را به ازبکستان از سر می‌گرفت (Aliyeva, 2018 September 3). در ازای آن، ازبکستان موافقت کرده است تا صدور گاز به تاجیکستان را که از سال ۲۰۱۲ متوقف شده بود، دوباره از سر بگیرد. توافق‌نامه‌ای که در سفر میرضیایف به دوشنبه در مارس ۲۰۱۸ امضا شد، براساس آن ازبکستان حدود ۱۲۶ میلیون متر مکعب گاز طبیعی با قیمت ۱۲۰ دلار آمریکا در هر هزار متر مکعب به تاجیکستان تأمین می‌کند. این در تضاد شدید با ۱۴۵ دلار آمریکا است که در سال ۲۰۰۸ شارژ شد و سپس برای ۳۰۰ دلار در سال بعد برای همان مقدار گاز از طرف ازبک‌ها تعیین شده بود (putz, 2018).

به طور خلاصه، دیپلماسی از نظر افزایش تجارت، همکاری‌های اقتصادی و انرژی و همچنین سفر، گردشگری و ارتباط مردم با مردم نتایج را نشان داده است. شهروندان قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان می‌توانند برای مدت‌زمان مختلف

قزاقستان ۳ ماه، قرقیز ۲ ماه و شهروندان تاجیک ۱ ماه) بدون ویزا به ازبکستان سفر کنند. از نظر تجارت، پیشرفت‌های بزرگی صورت گرفته است. در اجلاس سران کشورهای آستانه در مارس ۲۰۱۸، میرضیایف گفت: «تجارت ما با قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان در سال گذشته تقریباً به ۳ میلیارد دلار رسید که ۲۰ درصد افزایش (نسبت به سال قبل) و بیشتر اضافه شد که تا شکند قصد دارد آن را در سال‌های آینده به ۵ میلیارد دلار افزایش دهد» (Eurasianet, 2018).

کنفرانسی بین‌المللی در آسیای میانه با عنوان "یک گذشته و یک آینده مشترک، همکاری برای توسعه پایدار و سعادت متقابل" در نوامبر ۲۰۱۷ در سمرقند برگزار شد. در این کنفرانس، رئیس‌جمهور ازبکستان نظرات خود را در مورد همکاری پایدار در آسیای میانه بیان کرد. وی به‌طور خاص بر پتانسیل حمل و نقل و لجستیکی منطقه متمرکز شد که برای اطمینان از توسعه سریع زیرساخت‌های حمل و نقل نیاز به توجه مؤثرتر دارد.

وی مثال‌هایی از راه‌های ارتباطی جدید مانند راه‌آهن ترکمن‌آباد - فاراب بر روی آمو دریا را ذکر کرد که بخش مهمی از مسیر حمل و نقل و ترانزیت ازبکستان - ترکمنستان - ایران - عمان را تشکیل می‌دهد. اتفاقاً توافق‌نامه عشق‌آباد ۲۰۱۱ که هند نیز در فوریه ۲۰۱۸ به آن پیوست در مورد این مسیر توافق کرد. رئیس‌جمهور ازبکستان همچنین از توافق در مورد آغاز ساخت خط آهن ازبکستان - قرقیزستان - چین صحبت کرد. وی گفت: «در این ارتباط، ما معتقدیم که لازم است برنامه توسعه ارتباطات حمل و نقل در سراسر منطقه تدوین و تصویب شود» (Mirziyoyev, 2017).

روندهای مثبت بهبود روابط تجارت دوجانبه را نشان می‌دهد. تجارت بین قزاقستان و ازبکستان از ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۳ میلیارد دلار در ۲۰۱۸ افزایش یافته است. تجارت ازبکستان و تاجیکستان از ۲۳۶/۸ میلیون دلار در سال ۲۰۱۷، طی ۹ ماه نخست سال ۲۰۱۸ به ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است (Zhussupova, 2018).

با وجود این، در مقایسه با کشورهای خارج از منطقه هنوز در سطح بسیار

پایینی است. به‌عنوان مثال، تجارت قرقیزستان با روسیه (تقریباً ۱.۴ میلیارد دلار) و چین (۲.۴۶ میلیارد دلار) بیشتر از تجارت با قزاقستان (۸۸۴ میلیون دلار) و ازبکستان (۳۰۹.۸ میلیون دلار) بود، درحالی‌که صادرات آن به تاجیکستان ۴.۲ میلیون دلار در سال ۲۰۱۷ بود. با این حال، بهبودهایی نسبت به دوره قبل وجود داشته‌است. به‌عنوان مثال، سهم صادرات قرقیزستان به ازبکستان در سال ۲۰۱۷، ۸.۱ درصد از کل صادرات آن در مقایسه با ۵.۵ درصد در سال ۲۰۱۱ بود. به همین ترتیب، واردات از ازبکستان از ۱.۹۷ درصد کل کالا در سال ۲۰۱۱ به ۳.۶ درصد در سال ۲۰۱۷ رسیده است (Global Edge, 2018). از عوامل روند رو به رشد همکاری می‌توان گفت از آنجایی که:

کشورهای آسیای میانه با نیاز به ایجاد سریع روابط سیاسی و اقتصادی فراملی مواجه شده‌اند و شروع به نشان دادن تلاش برای همکاری‌های منطقه‌ای کرده‌اند. منطقه‌گرایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر در توسعه و تقویت استقلال اقتصادی این دولت‌ها مشاهده می‌شود. نیاز به منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه با درک این مسئله تقویت می‌شود که منطقه با مجموعه‌ای از مشکلات مشترک اقتصادی - سیاسی روبه‌رو است که می‌تواند با تجمیع منابع و تلاش‌ها حل شود (Cornell & Starr, 2018, p. 16).

دوم از آنجا که اقتصاد کشورهای آسیای میانه به سیستم‌های جداگانه تقسیم شده‌اند، چشم‌انداز واقعی برای سرمایه‌گذاران بزرگ بین‌المللی ارائه نمی‌دهند. تنها یکپارچگی فضای اقتصادی قابل توجه‌تر می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری در مقیاسی را فراهم کند که امکان مدرن‌سازی سیستم‌های اقتصادی این کشورها را فراهم کند. این درک در تلاش کشورهای آسیای میانه برای ایجاد جامعه اقتصادی منطقه‌ای و فضای اقتصادی مشترک به اثبات رسیده‌است. سوم آنکه توجه به آسیب‌های مشترک زیست‌محیطی و جغرافیایی کشورهای این منطقه، آنها را مجبور به همکاری مشترک برای استفاده مشترک و بهینه از منابع در منطقه می‌کند. کشورهای منطقه دارای روابط اقتصادی قوی‌تری با کشورهای خارج از منطقه در مقایسه با یکدیگر می‌باشند و از آنجا که کشورهای امروز آسیای میانه اساساً

صادرکننده مواد اولیه و منابع انرژی هستند، کالاهایی که بیشتر از بازارهای منطقه‌ای به درخواست‌های جهانی بستگی دارند (Rakimov, 2018). اینها نشان‌دهنده آن است که معیارهای اقتصادی منطقه‌سازی مستقیماً با ادغام گره خورده‌است، بنابراین وقتی اهداف و اولویت‌ها و منافع همه بازیگران تا حد زیادی همسو باشد، باعث ثبات بیشتری می‌شود و برعکس هنگامی که شکاف‌های زیادی بین اولویت‌های این کشورهای همسایه وجود داشته باشد، همسویی منافع ملی آنها نیز به‌طور قابل توجهی پیچیده‌تر و حتی کاهش می‌یابد.

۶. چهارچوب احتمالی همکاری منطقه‌ای

در فوریه ۲۰۱۹، وزارت امور خارجه ازبکستان کنفرانسی را با موضوع «اتصال آسیای میانه: چالش‌ها و فرصت‌های جدید» ترتیب داد. موضوع همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی و چگونگی حفظ منطقه از رقابت ژئوپلیتیک مورد بحث قرار گرفت. آیا باید همکاری‌ها در قالب سازمانی منطقه‌ای باشد یا در چهارچوب اجلاس سالانه سران کشورها؟ قدرت‌های خارجی چه نقشی خواهد داشت، آیا باید آنها را کنار گذاشت؟ در این کنفرانس مدل‌های مختلف همکاری که در مناطق مختلف جهان وجود دارد نیز مورد بحث قرار گرفت. بسیاری از محققان، به‌عنوان مثال، «کرنل» و «استار» (۲۰۱۸)، مطالب زیادی راجع به موضوع این کنفرانس نوشتند. اکثر سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و آسه آن در زمینه‌ای خاص و با جهت‌گیری خاص تشکیل شده‌اند. برخی از آنها بسیار نهادینه شده‌اند تا آن حد که اعضای با گرایش‌های مختلف هنوز هم می‌توانند با هم کار کنند (Cornell & Starr, 2018, p. 42). اتحادیه اروپا پیشرفته‌ترین منطقه‌گرایی با پارلمان، بوروکراسی و قوانینی است که در مورد کشورهای عضو قابل اجرا است. شورای اسکاندیناوی به‌خاطر جهت‌گیری مشترک به سمت اتحادیه اروپا/ناتو به‌خوبی کار می‌کند، اگرچه برخی در گروه اول هستند و برخی در گروه دوم هستند و یکی در هر دو است. به‌عنوان مثال، دانمارک، ایسلند و نروژ عضو ناتو هستند، درحالی‌که سوئد، دانمارک و فنلاند عضو اتحادیه اروپا هستند. هیچ تعارض منافع واقعی بین اتحادیه اروپا و ناتو وجود ندارد. حتی نروژ و ایسلند که

عضو اتحادیه اروپا نیستند از طریق عضویت در منطقه اقتصادی اتحادیه اروپا ادغام می‌شوند. نروژ حتی تعدادی از قوانین اتحادیه اروپا را تصویب می‌کند و از جریان آزاد کالا، خدمات و نیروی کار با کشورهای اتحادیه اروپا برخوردار است. مدل دیگر منطقه‌بندی از گروه ویشگراد متشکل از چهار کشور جمهوری چک، مجارستان، لهستان و اسلواکی با جهت‌گیری کاملاً مشترک از نظر اقتصادی و استراتژیک وجود دارد. همه آنها اعضای اتحادیه اروپا و ناتو هستند. مرکوسور، گروه منطقه‌ای دیگری در آمریکای جنوبی، به‌عنوان بلوکی تجاری ظاهر شده، اما امروز همکاری به هم ریخته است؛ زیرا عضویت ونزوئلا در سال ۲۰۱۶ به حالت تعلیق درآمد و روابط امروز کاراکاس و برازیلیا مستعد درگیری است (Mirziyoyev, 2017).

به گفته «اسلاومیر هوراک»، تحلیل‌گر مؤسسه قفقاز - آسیای مرکزی، مدل ویشگراد مناسب‌تر است، این منطقه خود را به‌عنوان گروهی غیرنهادی متشکل از چهار دولت قرار داده است که گردهمایی‌های منظم رؤسای جمهور و نمایندگان دولتی و همچنین غیردولتی را ترتیب می‌دهند. گروه‌های دیگر، مانند مجمع بالتیک، شورای نوردیک یا حتی آسه آن، ساختارهای بسیار رسمی‌تری دارند و بنابراین نمونه‌هایی از ادغام یا منطقه‌گرایی فوق‌ملی را نشان می‌دهند که ممکن است گامی رو به جلو برای کشورهای آسیای میانه باشد (Horak, 2018). آسه آن نیز امروزه سازمانی منسجم و کاملاً نهادینه با تجربه طولانی تکامل است که می‌تواند الگو واقع شود. با وجود این، امکان کپی‌برداری از هریک از مدل‌های فوق برای آسیای میانه وجود ندارد، هرچند تجربیات آنها می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد. اگرچه واضح است که اگر کشورهای منطقه اهداف اقتصادی و استراتژیک مشترکی داشته باشند، احتمال همکاری یا ادغام منطقه‌ای بیشتر است. اینکه این شکل تشکیلاتی داشته باشد یا در قالب نشستی منظم بین رهبران و سایر ارگان‌های دولت، به ماهیت روابط دوجانبه و همچنین به مکملات سیاسی، اقتصادی و استراتژیک منافع بستگی دارد.

کشورهای آسیای میانه پس از حدود سی سال استقلال، هنوز در برخی موارد

در تلاش‌اند روابط دیپلماتیک خوبی را از سر بگیرند. در همین حال، آنها با گروه‌های منطقه‌ای دیگر مانند کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و شانگهای مرتبط شده‌اند. آنها همچنین در قراردادهایی مشارکت دارند که از یکدیگر جدا هستند. به‌عنوان مثال، سازمان پیمان امنیت جمعی و برنامه مشارکت برای صلح ناتو در نقش‌ها و اهداف منطقه‌ای ناسازگار هستند. برخی از بازیگران قدرتمند هستند که بر جهت‌گیری کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارند. روسیه، چین و ایالات متحده از عوامل خارجی قوی در آسیای مرکزی هستند. روسیه تأمین‌کننده اصلی امنیت کشورهایمانند قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان است. تجارت و سرمایه‌گذاری چین در برخی از این کشورها بیش از قدرتهای دیگر است. ایالات متحده با وجود از دست دادن دو پایگاه در منطقه، ولی هنوز به‌دلیل ظرفیت نفوذ در مؤسسات مالی جهانی نفوذ قابل توجهی دارد. کندی اقتصادی که به‌دنبال سقوط قیمت جهانی انرژی و اکنون بحران کووید انجام شده، بسیاری از کشورها را مجبور به جلب حمایت ایالات متحده برای کمک مالی بین‌المللی می‌کند.

به‌دنبال دیدار رئیس‌جمهور ازبکستان، میرضیایف، با همتای آمریکایی خود دونالد ترامپ در جریان سفر به ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۸، دو رئیس‌جمهور بیانیه مشترکی با عنوان «ایالات متحده و ازبکستان: راه‌اندازی دوره جدید مشارکت استراتژیک» صادر کردند. کمک ایالات متحده برای پیوستن ازبکستان به سازمان تجارت جهانی^۱ و ایجاد مجمع تجاری آسیای میانه و نیز امضای بیش از بیست قرارداد بزرگ که تخمین زده شده ارزش آن ۴.۸ میلیارد دلار باشد بین شرکت‌های هر دو کشور منعقد شد. ازبکستان همچنین با حمایت آمریکا قراردادهای وام با مبلغ ۹۴۰ میلیون دلار با هدف تأمین مالی پروژه‌های بهره‌وری انرژی، باغداری و خدمات فوریت‌های پزشکی با بانک جهانی امضا کرد (Valiyev, 2018).

کاملاً واضح است که تشکیلات منطقه‌ای که تنها شامل کشورهای آسیای میانه با ساختارهای رسمی نهادی باشد، هنوز فاصله زیادی تا تشکیل دارند.

کشورهای مختلف همچنان عضو گروه‌های مختلف منطقه‌ای و سازوکارهای همکاری چندجانبه هستند که از قبل وجود دارد. اما روند فعلی می‌تواند به حل بسیاری از مسائل دوجانبه که منطقه را آزار می‌دهد، کمک کند و همکاری بیشتر در زمینه‌های اقتصادی، انرژی و ارتباطات را تسهیل کند. این باعث انسجام بیشتر منطقه از نظر ارتباط بین‌دولتی و بین‌مردمی می‌شود.

از آنجا که روسیه و چین در حال حاضر بخشی از سازمان‌های همکاری منطقه‌ای، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی آسیای میانه هستند، دور نگه داشتن این دو قدرت از منطقه امکان‌پذیر نخواهد بود. هرگونه تلاشی در این زمینه فقط باعث از هم گسیختگی کشورهای آسیای میانه و به هم خوردن روند همکاری‌های منطقه‌ای می‌شود. در عوض، کشورهای آسیای میانه می‌توانند تا حدودی از آسه آن پیروی کنند که خود را با سایر قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی با نفوذ و علائق گوناگون در منطقه پیوند داده‌است. پیوند دادن آن با کشورهای همسایه گسترده همچنین می‌تواند همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت کند.

۷. نقش و جایگاه بازیگران فرامنطقه‌ای

بازیگران خارجی نسبت به انسجام منطقه‌ای آسیای مرکزی موضع واحدی نداشته و هریک راهکار و اهداف خود را دارند:

الف) چین

چین راهبردهای خود در آسیای مرکزی را براساس دو طرح بزرگ «پروژه کمربند - راه» و دیگری «سازمان همکاری شانگهای» پیش می‌برد. تمرکز سیاست چین در قبال آسیای میانه با استراتژی «رفتن به سمت غرب» هدایت می‌شود. پکن ادغام بیشتر منطقه‌ای با آسیای مرکزی را امری حیاتی می‌داند؛ زیرا این کشور، هم چالش‌ها و هم فرصت‌هایی را برای منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی خود به وجود می‌آورد. چین علاقه زیادی به آسیای میانه صلح آمیزی باثبات و مرفه دارد. این امر به اطمینان از تأمین انرژی و محافظت از ثبات در منطقه خودمختار سین کیانگ کمک می‌کند. اطمینان از تأمین مداوم منابع انرژی از آسیای میانه از راه زمینی از استراتژی‌های مهم

چین است. مزیت جغرافیایی منطقه و هم‌مرز بودن شرایطی را فراهم می‌کند که وابستگی شدید چین به واردات انرژی را کاهش دهد که از طریق مسیرهای دریایی تحت سلطه نیروی دریایی ایالات متحده عبور می‌کند (Yu, 2018, p. 3).

ظهور چین در آسیای میانه باعث تسریع در رقابت قدرت‌های بزرگ برای دفاع از منافع خود در منطقه شده‌است. علاوه بر روسیه و ایالات متحده، قدرت‌های بزرگ دیگر مانند اتحادیه اروپا نیز دارای منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی مختلفی هستند که باید در آسیای میانه دنبال کنند.

سازمان همکاری شانگهای

اگرچه روسیه و چین دو نیروی محرک شانگهای هستند، این غول‌ها خود در واقع مانع منطقه‌گرایی در آسیای میانه می‌شوند. در این زمینه، دو سطح متناقض سیستماتیک در سازمان همکاری شانگهای وجود دارد: رقابت بین خود کشورهای آسیای میانه از یک سو و رقابت بین روسیه و چین از سوی دیگر. مواردی از قبیل رقابت منطقه‌ای، عدم ثبات و به‌ویژه روحیه ضدچینی در بیشتر کشورهای آسیای میانه باعث می‌شود «روح اعتماد شانگهای در عمل قابل قبول نباشد». آسیای میانه برخلاف توافق کلی آنها در مورد بسیاری از موضوعات مهم بین‌المللی، عمدتاً به‌عنوان میدانی برای رقابت بین روسیه و چین عمل می‌کند. یکی از دلایل این رقابت این است که روسیه و چین هر دو رابطه با ایالات متحده را مهم‌تر از روابط با یکدیگر می‌دانند. دلیل دیگر، عدم تمایل روسیه برای پیشبرد توسعه سریع شانگهای است (Rakimov, 2018, p. 8). به‌نظر می‌رسد در فهرست اولویت‌های منطقه‌ای آسیای میانه روسیه، سازمان همکاری شانگهای در زیر سایه سازمان‌های روسی مانند اتحادیه اوراسیا قرار داده شده و اهمیت کمتری دارد.

اگرچه سازمان همکاری شانگهای کمک می‌کند تا جمهوری‌های آسیای میانه خود را به‌عنوان کشوری مؤثر در این سازمان ببینند، به‌دلیل رقابت چین و روسیه، برخلاف منشور منطقه‌گرایی سازمان همکاری شانگهای درباره‌ی آسیای میانه، آنچه در عمل دیده شود، کمتر منطقه‌ای است و بیشتر سازمانی دوعضوی بنه‌ظر می‌رسد تا منطقه‌ای. به‌علاوه، این دیدگاه در بین کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد که

این دولت‌ها در موضوعات مختلف درباره سازمان همکاری شانگهای مورد مشورت قرار نمی‌گیرند و حتی اگر هم قرار بگیرند بیشتر جنبه صوری و تشریفاتی دارد.

طبق گفته «نائاراجاروی»^۱، برای چینی‌ها، ایده سازمان همکاری شانگهای مهم‌تر از اقدامات آن است: این سازمان عمدتاً تحت هدایت چینی و متمرکز بر امنیت با تأکید بر حاکمیت دولت و تمامیت ارضی است. از آنجا که به نظر می‌رسد منطقه‌سازی آسیای میانه کاملاً در دست دولت‌ها است، بنابراین به نظر نمی‌رسد منطقه‌سازی مردمی یا در سطح ملت‌ها یکی از اهداف اعضای سازمان همکاری شانگهای باشد. بنابراین شعارهای پیمان شانگهای در مورد ارزش‌های مشترک، تحت عنوان اجتماعی شدن، باید با شک و تردید نگریده شود. ادعاهای چندتمدنی بودن سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهد که اختلافات بین ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی چین و کشورهای آسیای مرکزی به قدری گسترده است که ساخت روایتی از گذشته مشترک یا سرنوشت مشترک چندان واقعی به نظر نمی‌رسد (Krapohl & Vasileva, 2020, p. 360).

ب) روسیه

در بازی‌های برتری جویانه در اوراسیا باید به نقش «بازیگران ژئواستراتژیک» و قطب‌بندی‌های ژئوپلیتیک توجه کرد. بازیگران ژئواستراتژیک به آن گروه از کشورهایی مانند روسیه گفته می‌شود که دارای ظرفیت و اراده ملی برای قدرت‌نمایی یا نفوذ فرامرزی به منظور تغییر اوضاع ژئوپلیتیک هستند (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۸، ص. ۴۳). روسیه به شدت نگران است که نفوذ سنتی‌اش در آسیای میانه را دیگر قدرت‌ها تسخیر کنند. اراده برای افزایش قدرت روسیه در پی فروپاشی شوروی به تدریج به مطرح شدن ملزومات و اهداف اوراسیاگرایی منتهی شد (رستمی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۵). در سند استراتژی سیاست خارجی جدید روسیه که در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ به تأیید پوتین رسید، چشم‌انداز اتصال اتحادیه اوراسیا را به ادغام اقتصادی و سیاسی جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق پیشنهاد

1. NaraJaro

می‌کند. با این حال، توجه به این نکته مهم است که چشم‌انداز اتحادیه اوراسیای روسیه و استراتژی «رفتن به سمت غرب» چین تقریباً هم‌زمان پیشنهاد شد که منجر به رقابت بالقوه اجتناب‌ناپذیری بین چین و روسیه بر سر این منطقه استراتژیک شد. این منبع رقابت از نگرانی ژئوپلیتیکی هر دو کشور ناشی می‌شود. هر دو تلاش می‌کنند از لحاظ اقتصادی، سیاسی و امنیتی در آسیای میانه نفوذ کنند. روسیه در تلاش است تا سلطه خود را در «حیات خلوت» یک قرن گذشته خود به دست آورد، در حالی که هدف چین تعامل با آسیای میانه است تا مانع از جاه‌طلبی‌های روسیه در منطقه شود (Zabortseva, 2017, p. 178). اما هر دو از استراتژی‌های واگرایی برای ادغام با آسیای میانه برخوردارند که در نتیجه برخورد منافع حاصل می‌شود. به‌عنوان مثال، چین پیشنهاد کرده‌است که یک منطقه تجارت آزاد در چهارچوب سازمان همکاری شانگهای ایجاد شود، اما روسیه معتقد است که ادغام اقتصادی منطقه باید تحت رهبری اتحادیه اوراسیا به رهبری روسیه باشد و نه در چهارچوب شانگهای به رهبری چین، گسترش یابد.

به عبارت دیگر نقش محدودکننده روسیه در منطقه‌گرایی آسیای میانه دو برابر دیگران است. از یک طرف روسیه می‌خواهد نقش اصلی را در هر گروه‌بندی ایفا می‌کند که باعث می‌شود رابطه‌ای نابرابر بین دولت‌ها ایجاد شود. در آسیای میانه این تفکر وجود دارد که روسیه از توسعه هیچ سازمان منطقه‌ای که بخشی از آن نباشد استقبال نمی‌کند. از سوی دیگر، دیده می‌شود که روسیه با ترجیح دادن اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر دیگر ساختارهای منطقه‌ای، منطقه‌سازی را محدود می‌کند. علاوه بر این، روسیه نگران افزایش نفوذ اقتصادی چین در اوراسیا است و در این زمینه، اتحادیه اوراسیا به‌عنوان وزنه مقابل برای چین و منطقه‌ای حایل برای محافظت از کشورهای این منطقه از نفوذ چین دیده می‌شود.

منطقه‌گرایی آسیای میانه به تصرف روسیه و پروژه ادغام آن مانند اوراسیا در آمده است (Krapohl & Vasileva, 2020, p. 358). اهمیت جامعه اقتصادی اوراسیا برای روسیه با توجه به دشواری‌هایی که با تلاش‌های ادغام در فضای اتحاد جماهیر شوروی سابق با آن روبه‌رو بوده‌است، حتی بیشتر قابل توجه است. با

این حال، اگر روسیه همچنان نیروی محرکه همکاری منطقه‌ای باشد، آنگاه تقسیم منطقه به کشورهای عضو این اتحادیه اوراسیا یا خودی و کشورهای غیرعضو یا غیرخودی، تأثیر نامطلوبی بر منطقه‌سازی آسیای میانه به‌طور کلی خواهد داشت. روابط نزدیک‌تر روسیه با قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در میان فاصله‌گرفتن از ترکمنستان و از همه مهم‌تر ازبکستان برقرار می‌شود که روابط روسیه در دوران پس از استقلال با این کشور نسبتاً ناپایدار بوده‌است.

روند اخیر در سیاست خارجی روسیه نشان می‌دهد که این کشور تلاش کرده جهت‌گیری سیاست خارجی تمام کشورهای آسیای میانه را در دهه اخیر مشخص کند. تلاش برای نزدیک‌تر شدن روسیه به قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان رقابت اقتصادی بین روسیه و چین را افزایش می‌دهد. همچنین سیاست‌های روسیه ممکن است معضل امنیتی منطقه‌ای بین ازبکستان (متمایل به غرب) و همسایگانش را تشدید کند که ضربه‌ای جدی به منطقه‌گرایی آسیای میانه وارد می‌کند. تصور یک طرح عملیاتی منطقه‌بندی آسیای میانه بدون ازبکستان دشوار است.

ج) ایالات متحده

ایالات متحده همچنین آرزوهای زیادی برای حفظ نفوذ خود در منطقه دارد، اما فاقد استراتژی واقعی است. بنا به گفته «استفان بلانک»، متخصص شورای سیاست خارجی آمریکا، ایالات متحده فقط در افغانستان استراتژی دارد، اما هیچ سیاست، استراتژی یا چشم‌انداز واقعی برای آسیای میانه ندارد که به‌طور قابل ملاحظه‌ای سبب می‌شود موقعیت خود را تضعیف کند و نتواند در دفاع از منافع خود به‌طور مؤثر عمل کند.

در ۲۶ می ۲۰۱۱، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده، هیلاری کلینتون، چشم‌انداز ایجاد «جاده ابریشم جدید»^۱ را با هدف احیای افغانستان به‌عنوان رابط بین آسیای مرکزی و جنوبی پیشنهاد کرد (Yu, 2018, p. 5). دیگر استراتژی بزرگ

آمریکا، ایده «آسیای مرکزی بزرگ»^۱ است که از سوی «فردریک استار تیورسین» بزرگ آمریکایی مطرح شد که برای مقابله با کاهش نفوذ چین و روسیه مطرح شد (Starr, 2017). ایالات متحده پروژه‌های دیگری مانند «پروژه تاپی» را برای انتقال گاز ترکمنستان از راه افغانستان به پاکستان و هند را طراحی کرده‌است و همچنین پروژه برق آسیای مرکزی و جنوبی معروف به «کاسا ۱۰۰۰» که برای انتقال برق کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان از طریق خاک افغانستان به پاکستان می‌باشد. ایالات متحده همچنین در سال ۲۰۱۵ «قرارداد C5 + 1» را با پنج کشور این منطقه امضا کرد. این پیمان شامل تجارت منطقه‌ای، حمل و نقل و ارتباطات، فضای تجاری در منطقه، چالش‌های پایداری محیط زیست، همکاری برای جلوگیری و مقابله با تهدیدات و چالش‌های فرامرزی، حمایت از افغانستان، حمایت‌های آموزشی و فرهنگی، مجمع تجارت آسیای میانه، برنامه سازگاری و محیط زیستی برای حوزه دریای آرال از مهم‌ترین آنها می‌باشند؛ با وجود این، موفقیت «C5 + 1» مستلزم اجرای پروژه و برنامه طولانی‌مدت در اقتصاد، تجارت، انرژی، ارتباطات، گردشگری، آموزش و سایر زمینه‌های بین ایالات متحده و جمهوری‌های آسیای میانه است (Rakimov, 2018, p. 9).

نتیجه‌گیری

آسیای میانه به‌عنوان یک منطقه از نظر قومیت، فرهنگ، زبان و ... دارای ویژگی‌های مشترک بسیاری است. این منطقه همچنین با چالش‌های مشترک امنیتی مانند تروریسم، قاچاق مواد مخدر و اسلحه روبه‌رو است که می‌تواند با همکاری کشورهای آسیای میانه به‌طور مؤثر کنترل شود. از این نظر، آسیای میانه را می‌توان مجتمعی امنیتی در نظر گرفت که وابستگی متقابل برای پاسخگویی به چالش‌ها، از جمله موارد ذکر شده در بالا و همچنین موارد مربوط به تقسیم آب و انرژی وجود دارد. ضعیف‌ترین حلقه از زمان فروپاشی شوروی، خرابی روابط اقتصادی بین کشورهای آسیای میانه بوده‌است.

منطقه‌گرایی آسیای میانه را از اواخر قرن نوزدهم قدرتی خارجی ساخته است

که مرکز آن خارج از منطقه است. حتی در دوره پس از اتحاد جماهیر شوروی، این روندی بوده است که در آن قدرت‌های بزرگ از منطقه‌گرایی در آسیای میانه حمایت کرده و آن را ترویج کرده‌اند، اگرچه بیشتر این ابتکارات ناشی از نگرانی‌های ژئوپلیتیک و امنیتی بوده است. به ویژه وقتی اهداف اقتصادی در این امر دخیل باشد، منجر به یکپارچگی عمودی و سلسله مراتبی به جای همکاری افقی در میان کشورهای آسیای مرکزی شده است. منافع رقابتی قدرت‌های خارجی و تغییر جهت‌گیری کشورهای آسیای میانه، همکاری‌های منطقه‌ای را بیشتر مختل می‌کند. امید است که با تغییر رهبری در ازبکستان روند جدیدی پدید بیاید؛ روابط دوجانبه بهبود یابد و شانس همکاری منطقه‌ای نیز فراهم شود. اینکه آیا این ایده شکل سازمانی منطقه‌ای یا شکل دیگری دارد، باید منتظر ماند؛ همکاری منطقه‌ای آسیای میانه پیشرفت مثبتی است. با این حال، در آینده نزدیک احتمالاً شکل سازمانی رسمی منطقه‌ای به خود نمی‌گیرد. کشورهای آسیای میانه باید به سمت منطقه‌گرایی حرکت کنند تا از این تصور که توسط هریک از کشورهای منطقه هدایت می‌شوند، جلوگیری شود. ممکن است لزوماً فقط یک رقابت بین ازبکستان و قزاقستان نباشد. کشورهای کوچک‌تر مانند تاجیکستان و قرقیزستان با نقش اول این دو کشور بزرگ‌تر از نظر اقتصادی و سرزمینی راحت نخواهند بود. ترکمنستان از هرگونه قدرت پیشرو در منطقه بیزار است و ترجیح می‌دهد از هرگونه ساختار رسمی ادغام یا تعامل عمیق‌تر دور باشد. گفته می‌شود دلیل این امر که تاکنون هیچ نوع ترتیباتی مانند ویزای مشترک از نوع شینگن در این منطقه پیش نرفته است، همین بی‌انگیزگی ترکمنستان بوده است.

در آینده منطقه همچنان انسجام بیشتری خواهد داشت، اما جهت‌گیری خارجی متفاوت کشورهای عضو همچنان ادامه خواهد یافت، همچنین پیوستگی آنها به سازمان‌های منطقه‌ای موجود که تحت رهبری قدرت‌های مختلف خارجی قرار دارند ادامه خواهد یافت. منطقه‌گرایی جدید در آسیای میانه به احتمال زیاد در جهت تقویت همکاری‌های درون منطقه‌ای حرکت می‌کند، اما با معماری منطقه‌ای موجود نیز تکمیل می‌شود. برخی از این سازوکارها و سازمان‌های

منطقه‌ای موجود ممکن است مؤثر نباشند و از صحنه خارج شوند، در حالی که برخی دیگر به دلیل گسترش همکاری در بین کشورهای آسیای میانه، واقعاً مؤثر و قوی‌تر می‌شوند.

منابع

- حسنوند، مظفر و اسفندیاری، مهدی (۱۳۹۷). نظم نوین جهانی و تحول در منطقه گرای جدید. فصلنامه روابط خارجی، ۱۰(۴۰)، ۶۹-۳۹.
- سیمبر، رضا و رضاپور، دانیال (۱۳۹۸). قدرت ژئوپلیتیکی و روابط ژئوانرژی روسیه با اتحادیه اروپا در اوراسیای بزرگ. فصلنامه روابط خارجی، ۱۱(۴)، پیاپی ۴۴، ۳۵-۶۱.
- رستمی، محمدرضا (۱۳۹۵). پوتین، اوراسیاگرایی و دشواری‌های احیای موقعی قدرت روسیه. فصلنامه روابط خارجی، ۸(۳)، ۲۱۲-۱۸۱.
- Asanov & Kukeyeva (2013). Regionalism and Regionalization in Central Asia. *World Academy of Science, Engineering and Technology International Journal of Humanities and Social Sciences*, 7(3).
- Aliyeva, K. (2018, January 9). Uzbekistan, Tajikistan to mull border issues. *Azer News*. Retrieved from <https://www.azernews.az/region/125212.html>. (2018, September 3). Tajikistan increases electricity exports to Uzbekistan. *Azer News*. Retrieved from <https://www.azernews.az/region/137034.html>.
- Вардомский Л.Б., Пылин А.Г., (2014). *Регионализация Внешнеэкономических Связей в России и Соседних Странах, Отв. Ред. М.: Институт Экономики РАН, 2014. С.*
- Buzan, B. (1991[1983]). *People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-cold war era* (2nd ed.). Harvester: Wheatsheaf.
- Cornell, S. E., & Starr, S. F. (2018, December 4). Regional cooperation in Central Asia: Relevance of world models. *Central Asia-Caucasus Analyst*. Retrieved from <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13547-regionalcooperation-in-central-asia-relevance-of-world-models.html>.

- Cornell, S. & Starr F. (2018). Modernization and Regional Cooperation in Central Asia: A New Spring? *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program*. www.silkroadstudies.org.
- Embassy of the Republic of Uzbekistan in the Federal Republic of Germany. (2018, February 28). Uzbekistan–Tajikistan: *A new stage of trade and economic cooperation*. Retrieved from <https://www.uzbekistan.de/en/nachrichten/nachrichten/uzbekistan-%E2%80%93-tajikistan-new-stage-trade-and-economic-cooperation>
- Eurasianet. (2018, March 16). *Central Asia leaders confab but stop short of binding commitments*. Retrieved from <https://eurasianet.org/central-asia-leaders-confab-but-stop-short-of-binding-commitments>.
- Eurasian Development Bank (EABR) (2019). *System of indicators of Eurasian integration* // www.eabr.org/rus/publications/projects>.
- Global Edge. (2018). Kyrgyzstan: Trade statistics. Retrieved from <https://globaleedge.msu.edu/countries/kyrgyzstan/tradestats>.
- Horak, S. (2018, April 30). Central Asia after Astana: From integration to cooperation. *Central Asia-Caucasus Analyst*. Retrieved from <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13509-central-asia-after-astana-from-integration-to-cooperation.html>.
- Kerimkhanov, A. (2019, January 24). Kazakhstan is Tajikistan's main export partner. *Azer News*. Retrieved from <https://www.azernews.az/region/144538.html>.
- Kopanev, G. V. (1987). *Central Asian economic region*. In S. M. Alam & A. H. Kidwai (Eds.), *Regional imperatives in utilisation and management of resources: India and the USSR* (pp. 45–57). New Delhi: Concept Publishing House.
- Krapohl, S. & Vasileva, A. (2020). The region that isn't: China, Russia and the failure of regional integration in Central Asia. *Asia Europe Journal*, 18, 347–366. <https://doi.org/10.1007/s10308-019-00548-0>.
- Laruelle, M., & Peyrouse, S. (2012). Regional organisations in Central Asia: Patterns of interaction, dilemmas of efficiency (Working Paper No. 10). *Institute of Public Policy and Administration*, Graduate School of Development, University of Central Asia. Retrieved from <http://www.ucecentralasia.org/downloads/UCA-IPPA-WP-10-Regional-Organizations.pdf>

- Mirziyoyev, S. (2017, November 11). Speech of the President of Uzbekistan Shavkat Mirziyoyev. *The international conference in Samarkand on Central Asia: One past and a common future, cooperation for sustainable development and mutual prosperity*.
- Patnaik, A. (2016). *Central Asia: Geopolitics, security and stability*. London and New York, NY: Routledge.
- Putz, C. (2018, November 20). Tajikistan's Rogun dam begins operations. *The Diplomat*. Retrieved from <https://thediplomat.com/2018/11/tajikistans-megadam-rogun-beginsoperations/>.
- Rakhimov, Mirzokhid A. (2018). Complex regionalism in Central Asia: Local, regional, and global factors. *Cambridge Journal of Eurasian Studies*, 2, #J6Y3O7, <https://doi.org/10.22261/CJES.J6Y3O>.
- Soderbaum, F. (2011). *Theories of regionalism*. In M. Beeson & R. Stubbs (Eds.), *The Routledge handbook of Asian regionalism*. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/260228248_Theories_of_Regionalism.
- State committee of the republic of Uzbekistan on statistics (2020), *foreign trade turnover of the republic of Uzbekistan* (preliminary data for January 2020), https://www.stat.uz/uploads/docs/tashqi_savdo_en_yanvar.pdf.
- Starr S.F. (2017). *A Partnership for Central Asia*. *Foreign Affairs*, July/August: available at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/60733/sfrederick-starr/a-partnership-for-central-asia>.
- Toktogulov, B. (2017). The failure of settlement on Kyrgyz-Uzbek border issues: A lack of diplomacy? *Paper presented at the ESCAS-CESS Joint Conference at American University of Central Asia (AUCA)*, Washington DC, 29 June–2 July 2017. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/328857542_The_Failure_of_Settlement_on_Kyrgyz-Uzbek_Border_Issues_a_Lack_of_Diplomacy.
- Tolipov, F. (2018, September 18). Uzbekistan-Tajikistan relations: The long way to strategic partnership. *The Central Asia-Caucasus Analyst (CACI Analyst)*. Retrieved from <https://www.cacianalyst.org/publications/articles/item/13533-uzbekistantajikistan-relations-the-long-way-to-strategic-partnership.html>.
- Valiyev, S. (2018, June 11). Taking the U.S.-Uzbekistan relationship to the next level: Mirziyoyev's historic visit. *Central Asia-Caucasus Analyst*.

- Retrieved from <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13524-taking-the-usuzbekistan-relationship-to-the-next-level-mirziyoyevs-historic-visit.html>.
- Wang, X., Yaning Ch., Zhi L., Gonghuan F., Fei W. & Haichao H. (2020). *Water resources management and dynamic changes in water politics in the transboundary river basins of Central Asia*, <https://hess.copernicus.org/preprints/hess-2020-644/hess-2020-644.pdf>. <https://doi.org/10.5194/hess-2020-644>.
- Yu Xi. (2014). China's Rise in Central Asia Implications for EU Interests. *European Institute for Asian Studies*, www.eias.org.
- Zabortseva, Y. (2017). From 'forgotten region' to the 'great game' region: On the development of geopolitics in CentralAsia. *Journal of Eurasian Studies*. 3(2), 168-176.
- Zhussupova, D. (2018, October 5). Kazakhstan and Uzbekistan to create international tradezone and checkpoint. *The Astana Times*. Retrieved from <https://astanatimes.com/2018/10/kazakhstan-and-uzbekistan-to-create-international-trade-zone-and-checkpoint/>.